



چراغانی سیاسی برای اوباما

کاظم ودیعی

دارد.

با این حال به فرض خوش سپری شدن دوره ماه عسل قدرت، اوباما شاید سال جاری را راحت بگذراند؛ اما بعد از آن را نمی‌شود دید. و اینها همه متوجه مسایل پیچیده درون مرز وطن اوست. اینکه پرزیدنت اوباما در نهایت روزولت شود یا ابراهام لینکلن یا جیمی کارتر به قول سرمقاله‌نویس PH-Courier I.N.T آقای T-DANGIN امر خودشان است. آن همه قدرت سرمایه‌داری به همین دلیل نصیب آنها شد که به امر خودشان پرداختند و منافع ملی آمریکا را فدای دیگران ساختند. امروز هم که ظاهراً ضرر به نفعشان خورده است و قدری ورشکسته‌اند امر، امر خودشان است.

صورت مساله به حساب سرانگشتی و به استناد ارقامی که اشاره رفت این است که ابتدا اوباما که دارنده یک اعتبار یک هزار میلیاردی و شاید کمی بیشتر است در رابطه با کنگره و جمهوری خواهان سیاسی عمل می‌کند و این سرمایه دوگانه را با محبوبیتی که دارد به کار می‌اندازد. تا انتهای ماه عسل یکصدروزه سنتی. تا این جا حرف، حرف عدد و رقم واقعیت‌های شخصیتی است که به کاری بزرگ می‌رود. ولی در این هفته قبل از مراسم تحلیف آقای اوباما، رسانه‌های آمریکا و جهان گروهی از توقعات را عنوان کرده‌اند و قدرت و امکان‌های رویا آمیزی را به ایشان نسبت داده‌اند که اثری وارونه بر اذهان خواهد داشت و چه بهتر هرچه زودتر آنها را از مقولات غیرواقع بدانیم.

نیوزویک می‌نویسد: اوباما می‌تواند صلح را تحمیل کند. نویسنده مرد ساده‌ای نیست؛ آقای A.O.Miller است که طی ۲۰ سال در شش دولت دموکرات مشاور بوده است. این چنین قاطع سخن گفتن در شرایطی که سراسر خاورمیانه و خاور نزدیک زیر آتش اسرائیل و موافقان است و دو کشور در اشغال‌اند و نیز روحیات بنیادگرایی و ترور بر منطقه حاکم است، قدری به غلو یا به تشویق زورکی می‌ماند.

در آفریقا به دلیل رنگ پوست

دستی که اوبامای از راه نرسیده و هنوز هیچ نکرده را چنین بلند می‌کند، بر او به دیده‌ی تردید باید نگریست. روزهای طولانی در این خیال بودم و بعد دیدم که تنها نیستم.

دو ماهنامه‌ی Foreign Policy (F.P) ویژه روابط بین‌المللی در این فکر بد با من شریک است و بر پشت جلد خود مثل دیگران زیر عکسی از اوباما می‌نویسد: نکند آمده تا شکست خورد؟

به جز این، این همه خوشامد به مردی که تازه از بوته‌ی انتخابات درآمده البته درخور و به اندازه طول و عرض و عمق آن بحران مالی و این ورشکستگی‌ها و بیکاری‌ها است که شاهد آنیم. ولی چرا با تجلیلی غیرعادی زیر پرچم «امید» او را چنان برمی‌کشاند که فردا خدای ناکرده همه‌ی کاسه کوزه‌ها را رقبای سیاسی سر او شکنند؟!

پل کروگمن P.krugman دارنده‌ی جایزه نوبل در اقتصاد دو سه ماه پیش گفت قبل از آمدن اوباما باید کاری کرد زیرا ظرف همین دو سه ماه باقی مانده‌ی دولت پرزیدنت بوش، ممکن است حوادثی تلخ روی دهد... و چنین شد؛ یعنی بیکاری در اروپا و آمریکا بالاتر کشید. همین اقتصاددان اخیراً گفت طرح ۷۷۵ میلیارد دلاری اوباما برای رونق اقتصاد آمریکا ناکافی است و آمریکا به ۲۰۰۰ میلیارد دلار نیاز دارد. و اوباما بعد آن همه تلاش که نزد پرزیدنت بوش کرد و نیز در تماس با کنگره آمریکا، امروز تنها اندکی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار در چنته



و تعلق خانوادگی، اوباما را منجی این قاره شناخته‌اند و نوشته‌اند: اوباما رویای دست نیافتنی ماست. پس آمدن او را جشن می‌گیریم.

عمق بحران، بعضی سیاسیون اروپا را به این فکر انداخته که نزدیکی خود را به مردم با تبلیغاتی مجازی تامین کنند و اسم آن را هم زندگی مجازی نهاده‌اند. زیرا تاکنون ۴۶۰۰۰ و تا آخر سال ۶۰۰۰۰ فقره ورشکستگی در فرانسه داریم.

اوباما راه خود را می‌رود به عشق وطنش و داعی آن که توفیق با ایشان باشد. ولی هر توقعی از او داشتن، یادآور این قضیه است: «مولعی به سور می‌رفت. کسی گفتش مرا همراه کن به طفیلی. دیگر کس سرآمد که مرا نیز به قفیلی. هر سه رفتند. میزبان بر در سرا بود. پرسید کیستید؟ مولع گفت: داعی مهمان است. و این یکی طفیلی. میزبان به سخره گفت: ورا باش. طفیلی برتابید و گفت نه مرا، او را باش که خود قفیلی است.»

اما مصاحبه اخیر اوباما دست رجزخوانان و چلچراغ‌آوران سیاسی را بازمی‌کند. او می‌گوید: در انتخابات هواداران مک‌کین ۴۷ درصد آرا را به دست آورده‌اند، پس رییس جمهور آمریکا متوجه کسب رضایتمندی شخصی نیست. اما دولت آینده متکی است بر امید و آرزوهای مردم عادی آمریکا، امری که در گذشته حصول نداشته است. باری اگر اوباما تنها همین یک مورد را مبنا قرار دهد و رعایت آن را لازم شمارد، مسلماً مردم در انتخاب او اشتباه نکرده‌اند. زیرا این «مردم عادی آمریکا» هرگز تمنای فساد مالی در بورس‌ها و بانک‌ها و سرمایه‌ها را نداشته‌اند و نیز در قطب مخالف جنگ‌طلبان و در حسرت صلح و امنیت می‌زیند. سپس اوباما به دور از معجزاتی که

جهان از رشد افتاده‌ی فلی، به هر وسیله خود را توجیه می‌کند. امروز اوپاما ابراز امیدواری کرده است تا اشتباهات گذشته جبران شود. آقای واکر بوش در مراسم خداحافظی خود گفت اعلام پایان جنگ عراق یک اشتباه بود و نیز گفت در جریان «کاترینا» گردباد نیواورلئان» تعلل کرده و از همه مهمتر در عراق سلاح مخرب نیافته و در زندان ابوغریب شکنجه شده است. اما برای این همه اشتباه، کیست که حسابی از او پس گیرد؟ این بزرگوار آرزوی محو ایران را در سر پروراند و معاون او هنوز که در دو قدمی رفتن است از شکنجه دفاع می‌کند چرا که برای خدمت به آمریکا بوده و هست.

به خاطر این تابلوی سیاه است که دنیای آمریکا و جهان بلاذیده از آن سیاست‌ها امروز هاله امید گرد صورت اوپاما می‌بندد، ولی دستی چلچراغ میالغه تبلیغاتی را برمی‌افزود تا همه چراغانی سیاسی شکل افراط به خود گیرد.

در غرب محاکمه سران به ندرت معمول است. پرنس هری فرزند شارل ولیعهد انگلیس به کارهای خلاف دست زد، کلمات زشت به هم‌درس خود گفت و بعد هم گفت ببخشید. در اروپا هر کس دیگر چنین می‌کرد مجازات می‌شد، غرامت می‌داد، زندان می‌رفت. ▲

اوپاما می‌گوید بهای ارزان امروز نفت گالنی (۳/۷۸ لیتر) چهار دلار شاید مصرف‌کننده را متوجه تنوع مواد سوختی هم بکند.

استنباط باید کرد که برای مدت‌های دراز، بهای نفت پایین می‌ماند؛ پس بر بازتاب آن بر کارکرد دول نفتی باید حساب کرد.

اوپاما می‌گوید من «جام جم» ندارم تا بگویم طول عمر بحران سخت فعلی چقدر است. این جمله پاسخ به آنها است که شعار (YES & CAN) اوپاما را به گزافه تفسیر و تعبیر کردند. با این وجود سر بسته و با احتیاط خیز تازه امور مالی اقتصادی را به بعد از سال ۲۰۱۰ واگذار می‌کند و تا به آن برسیم وضع را بسیار سخت می‌بیند.

اوپاما در خطی که به وزیر خارجه خود داده است مساله ناامنی را در منطقه‌ای وسیع «پاکستان، هندوستان، کشمیر و ایران و افغانستان» یک کاسه می‌کند و پایه‌ی کار خود و وزیر خارجه و وزارت جنگ و مشاور امنیت ملی را بر «برنامه‌ی کمک‌های خارجی» قرار می‌دهد. هر چند این جز یک پوشش سیاسی بیش نیست، ولی داوری آن را به بعدتر وامی‌نهیم.

اوپاما زندگی خانوادگی استواری دارد چیزی که بسیاری دیگر از روسای جمهور از آن محروم بودند و زیان دیدند. ولی این به معنای آن نیست که رنج نلسون ماندلا را فراموش کنیم.

اوپاما می‌گوید من و ارشیک کسر بودجه هزار میلیارد دلاری‌ام. کار دشواری است ولی راه حل‌ها هم وجود دارند و این انصاف خاص او است.

خروج و بیرون کشیدن قشون از عراق آرزوی بزرگ اوپاما است به شرط ثبات آن کشور. اوپاما تار و پود ثبات را شرح نمی‌دهد و بعید است این موضوع به این آسانی که می‌گوید سر گیرد.

اوپاما بر حلقه‌ی محدود روسای جمهوری قبل از خود برای مشورت حساب می‌کند. آمریکا نمی‌تواند انقلاب کند باید متحول شود. پس آنها که مدام از آمریکای اوپاما می‌خواهند فوراً ایران را محاصره و مجازات کند تا از پا درآید، در اشتباهند. چنان که آنان که در ایران نیز درصدد محو حافظه ملی‌اند در اشتباهند.

روزنامه‌نگاران از اوپاما بارها پرسیده‌اند کار وی در توفیق سازماندهی بزرگ کدام است؟ و او می‌گوید: کشف و برکشیدن استعدادها، همان چیزی که در جامعه‌ی ایران درون و برون جایش خالی است.



به او نسبت می‌دهند تا احتمالاً او را بلغزانند، می‌گوید ما ده سال وقت لازم داریم تا به یک سیاست جدید انرژی دست یابیم. ده سال و برای هر سال یک طرح. این یک مورد می‌رساند که وی بخشی از توسعه‌طلبی‌های گذشته را در برون‌مرز و در سرزمین‌های نفتی ناشی از نبود یک سیاست واقعی - و نه موردی و آنی - می‌داند. و ما نیز باید از سخن او دریابیم که آمریکا طی ده سال آینده در مورد «امنیت و تامین انرژی» نمی‌تواند دگرگونی مهمی را در سرزمین‌های فوق مطرح سازد؛ پس در نهایت احتیاط به مذاکره رومی‌آورد. همه‌ی این ده سال حداکثر هشت سال از آن اوپاما است. وی در همین مصاحبه وعده‌ی بستن زندان گوآتنامو را می‌دهد. و نیز وعده به لغو قطعی امر «شکنجه» می‌دهد. همین جا باید به یاد آورد که در این بزرگترین دموکراسی جهان که ورد زبان افراطیون قدرتمند آمریکا است، «شکنجه» امری عادی بوده و امروز اوپاما مایل است رابطه‌ی معقولی بین امنیت و قانون اساسی برقرار کند. پس آنها که از مصدر سیاسی خود در این کشور طی سال‌های دراز دیگران را «شکنجه‌گر» خطاب می‌کردند تا باج‌گیری کنند، خطاکاران تاریخ و دغل‌بازان سیاسی‌اند.

اوپاما می‌گوید آرزو دارد مردم در پایان دو سال بگویند گرچه دولت بهترین نیست، ولی احساس می‌کنم برای من کار می‌کند، یا بگویند احساس می‌کند این دولت و رییس جمهور اشتباهات خود را باز می‌شناسند و عوامفریبی سیاسی در کار نیست. ملاحظه می‌کنید اوپاما از خود رستم صولتی از آن نمونه که در هشت سال گذشته دیدیم نمی‌سازد، پس نیاز به این نیست تا در آستین او باد افکنند.

شرکت تولیدی و مهندسی حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

* دارای تاییده نشه ساخت دگ بخار و آب داغ از TÜV آلمانی *

تولید کننده :	
دگ بخار	فیلتر شنی
دگ آب داغ و آب گرم	دی الکالیزر
دی آرینور	فلاش تانک بخار
سختی گیر	جداکننده آب از بخار
سبیم کوپل دار	جدا کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	منبم کندانس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی نرلی، شماره ۵۴۳، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۲۷۱
تلفن: ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹، فاکس: ۷۷۶۰۴۵۲۱